

پاسخ به فحش نامه انگک و بنگک :

اخيراً فحشنامه ای تحت عنوان در سوگ " زنی " که " خر " نشد ه بود، به پاسخ نبشته ای انتقادی ف س تحت عنوان " اشتباه یا سقوط در لجنزار ابتذال " در سایت " بابا " به نشر رسیده است. نویسنده تاجائی که عفلش قد داده است از کلمات و عبارات فحش گونه و توهینی و تحقیری

با طرز دید سطحی و کودکانه چون " فشار خون تان بالا رفته " و از همه مهمتر " ساق مرمیرین تان تا ارتفاع بالا " و بسا خز عبلات و لاطانات دیگر استفاده نموده و خواسته است با این نوع الفاظ منتقد خود را مورد « تمسخر » قرار داده و خود را بر ائنت دهد.

قبل از اینکه به پاسخ انگک و بنگک بپردازم بصورت اجمال به جواب هیات تحریر قطب نما که بابسیار افتخار و اشتیاق از کارهای باصطلاح ابتکاری انگک و بنگک به دفاع برخاسته و دارند " در قطره کشتی رانی مینمایند " و کارهای انگک و بنگک را هدمند اعلام نموده اند ، میپردازم:

هیأت تحریر قطب نما که امیدوارم " کج نما " نباشد ، در نوشته حمایتی شان از انگک و بنگک در قسمتی از نامه شان می نویسند : " هر چند که خانم یا آقای ف س جرئت (جرات) نکرده اند تابانام و هویت حقیقی شان وارد معرکه گردیده و مستقیماً باقطب نما باب یک مناقشه سازنده را بکشایند " .

آقایان! چرا خود را به کوچه حسن چپ میزنید و کج بحثی راه می اندازید؟ آیاشمانمیدانید که نویسندگان زیادی از کشورهای مختلف جهان نوشته ها و آثارشان را به نامهای مستعار منتشر کرده و میکنند! به هر صورت مقصد و مرام شما از این کج بحثی ها مشخص است. و عامیانه میخواهید برای خوانندگان نشان دهید که گویا (ف. س) جرأت ندارد تا بانام اصلی خود وارد باصطلاح " جدل " شود. در حالیکه استفاده از نام مستعار «بی جرئتی» نیست. در شرایطی و بنا بر دلایلی ایجاب مینماید تا از نام مستعار استفاده شود. و در صورت لزوم بانام حقیقی خویش نیز وارد عرصه مبارزه می شوم. حال ببینیم « جرأت » و « شهامت » آقایان انگک و بنگک و حامیان قطب نمای شان را با این نبشته های مبتذل شان (منظور فحشنامه تایید شده از جانب «قطب نما» است... " تاکدام حد است و آنها چرا بانام های حقیقی شان وارد معرکه نمی شوند؟ حال می پردازم به جواب انگک و بنگک. گرچه ارزش جواب را ندارد.

قبل از اینکه به پاسخ انگک و بنگک بپردازم ابتدا توجه خوانندگان عزیز را به یک قطعه شعر انتخابی انگک و بنگک که به نظر حامیان قطب نمایش از جمله کارهای ابتکاری و خلاق (بخوانید مبتذل-تأکید از نویسنده است) انگک و بنگک میباشد و به آن میباند، توجه نمائید که درک انگک و بنگک و رفیقان هم‌رزم شان از شعر و شاعری در کدام سطح است و آنها به استناد گفته خودشان به اندازه " کوزه شان " از آن برخوردار گردیده اند.

نماز شام "خمینی" رخ به زن کرد
دلش جولان زد و قی بر چین کرد!!!

خوانندگان عزیز خود میتوانند در مورد محتوا ، مضمون و پیام این شعر از یک طرف و قالب شکل و فرم آن از نگاه زیبایی و موسیقی از طرف دیگر قضاوت نمایند. اما تا جائیکه به این قلم مربوط است باید خاطر نشان سازم که این هم یکی از « شهکار های ابتکاری » انگک و بنگک میباشد ، بویژه بکار بردن واژه (قی کردن!) که در این شعر بی مضمون و بی محتوا انتخابی انگک و بنگک بکار رفته است . آنها بجای اینکه چهره ارتجاعی و ضد مردمی خمینی جلاد و کارنامه سراپا خیانت ، جنایت و آدمکشی او و جمهوری اسلامی او و دار و دسته قاتل و جنایتکار شرابه مردم معرفی کنند به چنین شیوه های مسخره بازی متوسل میشوند.

بیانید به اعتراف خود انگک و بنگک که در مورد همین شعر آنها بعد از نوشته انتقادی (ف. س) صورت گرفته است توجه نمائید : " بخاطر تسلی خاطر شما (منظور ف س است) باید بگویم که شعر انتخابی انگک و بنگک در وصف " خمینی " به نظر خود انگک و بنگک پیام به مراتب کمتری داشته است . "

دوستان توجه کنید که انگک و بنگک صرف برای تسلی خاطر ما حاضر شده است قبول نماید که شعرش پیام به مراتب کمتری داشته است ورنه مرغ آن یک لنگ دارد.

به یک اعتراف دیگر انگک و بنگک توجه نمائید که مینویسد: "اگرما با شعر انتخابی خود به گفته شما به کوچه و بازار نزول نموده ایم و به لجنزار ابتذال افتاده ایم از این سقوط خیلی راضی هستیم زیرا حد اقل گند این لجنزار واقعی و درد آن تجربی بوده است."

من هم از اعترافات انگک و بنگک در صورتی که خود موقف شعری و اجتماعی خویش را تعیین نموده اند

خوشنودم و برای شان موفقیت آرزو میکنم. اما دیده میشود که انگک و بنگک دارند نیرنگ بازی میکنند و این بار از زاویه دیگری وارد معرکه می شوند. انگک و بنگک که این نام واقعی سزاوار شان باد! باید یک چیز دیگر را هم اعتراف نمایند و آن بکار بردن واژه های "ساق مرمین تا ارتفاع بالا" است که انگک و بنگک از همقماشان کوچه ای شان آموخته اند و بزعم شان باین واژه ها منتقد خویش را به باد «استهزا و تمسخر» گرفته اند. به نوشته انگک و بنگک در این مورد توجه نمائید.

"شما در نامه تان از پا در گل ماندن نویسنده یاد می کنید و خود متوجه نیستید که با چنین ادعا "ساق مرمین تان تا چه ارتفاع در گل بند مانده است". انگک و بنگک شرم تان باد! آقایان توجه کنید مارکس پیشوای بزرگ پرولتاریای جهان بدرستی گفته است که: «هر مرتجع بیشتر است». و شما با استفاده از واژه ها و جملات مبتذل، منتقد خویش را به «استهزا» می گیرید (که مورد حمایت و پشتیبانی هیأت تحریر «قطب نما» که مدعی اشاعه فرهنگ دموکراتیک مردمی اند، نیز قرار گرفته اید) و بدین طریق میخواستید مهر سکوت بر دهن آن بکوید. شما بجای پذیرش خطای تان متوسل به ناسزاگویی شده اید. زیرا افرادی که خواسته باشند طرف مقابل یا منتقد خود را باصطلاح از انتقاد پشیمان کنند و یا از «بی آبی» بیشتر بترسانند به چنین شیوه های متوسل میشوند. اما بکار بردن همچو جملات مستهجن و مشتمل کننده نمیتواند شمارا از گنداب لجنزار ابتذال نجات دهد. بلکه با استفاده و استعمال همچو کلمات و جملات بیشتر در لجنزار ابتذال فرو میرود، چنانکه فرورفته اید. شما نمیتوانید با این فحش نامه ها و ژست های لومینانه دهن و قلم منتقد تان را بسته نمائید، بلکه باین نوع کلمات و جملات بیشتر خود را افشامیکنید.

توصیه من به شما انگک و بنگک اینست که یکبار سر در گریبان نموده و "کلاه خسروی افتخار چرندیات"

تان رایک بار سر زانوی تان بگذارید و لحظه ای باندیشید که اگر شما در یک پلیک و مناظره با منتقد تان قرار

بگیرید و منتقد شما از "ساق مرمین تان تا ارتفاع بالا" یاد آور شود چگونه واکنش نشان میدهید؟ و یا خم به ابرو نیآورده به آن مباحث و افتخار میکنید؟ و یا آنرا مثل برخوردتان که باشعر شاعران نموده اید شوخی تلقی مینمائید؟ قضاوت را به خوانندگان میگذارم تا ببینند که امروز چطور فحش نویسان خود را شعر شناس و نقد نویس جلوه میدهند. حافظ در این مورد گفته است:

جای آن است که خون موج زند در دل لعل زین تغابن که خذف میشکند بازارش

و یا:

خמוש حافظ و این نکته های چون زر سرخ نگهدار که قلاب شهر صراف است

بیائید به یک اعتراف دیگر انگک و بنگک توجه نمائید که خود موقف اجتماعی و فکری خویش را تعیین نموده اند:

"از اینکه لطف کرده و بازار را محل مناسبی برای ما تعیین نموده اید از شما متشکریم. از چه گوشه ای جز این محل میتوان حقایق عریان یک جامعه را (بخوان ساق مرمین تا ارتفاع بالا)"

ر ابا گوشت و پوست خود لمس نموده ایم از شما تشکر میکنیم"

من هم این جای مناسب را برایتان تبریک و تهنیت میگویم. انگک و بنگک ببینید که به قول خود و نویسنده امریکائی تان بقدر "کوزه تان" از زن فقط "ساق مرمینش" را در کوچه ها و پس کوچه های هرزه فروشان نگاه کرده اید و از آن بهره گرفته اید.

ولی هیچگاهی مادر بودن، خواهر بودن، همسر بودن و دختر بودن و از همه عالی تر انسان بودن (زن) را مورد توجه قرار نداده اید. افسوس به حال تان به قول مائوتسه دون: "**کوه موش زانید**" انگگ و بنگگ شما خود میدانید که مثل حضرت آدم از گل ساخته نشده اید بلکه از مادر شریف و نجیبی که ما هم مثل مادر خود و مادران تمام مردم جهان به آن احترام و ارزش قایل هستیم و هرگز به خود اجازه نخواهیم داد که به آن توهین و تحقیر نمائیم، تولد شده اید. پس شما چرا به زن که مادر شما هم است اینقدر ناسزا و بی حرمتی روا میدارید؟ تکرار میکنم راستی از افرادی که "**کوچه و بازار**" را محل مناسبی برای تغذیه فکری خود تعیین نموده اند و با افتخار به آن میبالند و نیشخند، فحش، دشنام، زبان تیزی و زبان درازی را از آن آموخته اند، چیز دیگر توقع نمی رود. از انگگ و بنگگ و حامیان قطب نمای آنها که تا همین سطح فکری از آنها حمایت میکنند و در آینده بصورت کلوله سنگ تبارز خواهند نمود، در هراس هستیم که در آینده در نوشته های مبتدل خویش معذرت میخواهم از "زلف کمندین، لبهای شکرین و...". منتقد شان یادآور شده و آنرا به استهزا بگیرند و بیگمان شان منتقد خود را باصطلاح آنقدر خورد و خمیر نمایند که دیگر در مقابل انگگ و بنگگ و حامیان قطب نمای شان جرأت انتقاد کردن را نداشته باشد.

خوانندگان عزیز! از اینکه انگگ و بنگگ خود در نوشته های شان موقف اجتماعی سیاسی و ایدئولوژیکی خود را خود تعیین نموده اند و به آن جانانه هم اعتراف نموده اند به این نتیجه میرسیم که:

- 1- انگگ و بنگگ از قلم زنان زن ستیز در سطح پائین بوده که در مقابل زن عقده داشته و میخواهند جنون سادیستی شانرا با فحش دادن، تمسخر کردن و استهزا فرو نشانند.
- 2- ایدئولوژی و سیستم فکری که انگگ و بنگگ به آن متعلق اند نه یک ایدئولوژی مترقی بوده بلکه یک ایدئولوژی خورده بورژوازی و قسماً ناسیونالیستی میباشد. بدین ملحوظ از پلیمیک و مناظره بعدی بخاطر موقف انحرافی و ارتجاعی شان با آنها صرف نظر می نمایم چون آنها نه عفت قلم دارند نه شایستگی ادامه بحث. امیدوارم انگگ و بنگگ دوستان هم سویه خود را که از کوچه ها و پس کوچه های هرزه فروشان بقدر کوزه شان "**ساق مرمین تار تفاع بالا**" از زنان را آموخته اند، سراغ نمایند و بگفته خودشان "**جدل**" و مناظره را با آنها دنبال کنند.

در خاتمه امیدوارم که انگگ و بنگگ با این سطح فکری در آئینه قدنمای که خودشان در نوشته های مبتدل شان برای خود درست کرده اند به آن اعتراف هم نموده اند لحظه ای خود را تماشا نمایند تا ببینند که تا کدام عمق در لجنزار ابتدال ادبی فرورفته اند.

آقایان انگگ و بنگگ!

هر چه از اندوخته های تان از فحش، نیشخند، استهزا و توهین هم که در چانته دارید و از اینطرف و آن طرف به کومک حامیان تان گردآوری نموده اید نثار منتقدین تان نمائید که خواهید کرد. و یقیناً که شما هر چه بیشتر قلم بزنید بیشتر در لجنزار ابتدال فرو می روید. زیرا شما در باتلاق گیر مانده اید و مذبوحانه تلاش میکنید تا با فحش و ناسزا گوئی خود را «نجات» بدهید که ممکن نیست. (ف. س)